

ضعیف تری قرار می گرفت. این مقاله در پی پاسخ گویی به این پرسش است که هر یک از این دو کشور برای تأمین این هدف چه راهبردی را در پیش گرفتند و چه اقداماتی را انجام دادند؟

جزیره آبادان هدف راهبردی برای عراق محسوب می شد. متقابلاً برای ایران نیز جلوگیری از سقوط آبادان یک هدف بسیار مهم به شمار می آمد که بدون تحقق آن در موقعیت

۱. صبح روز ۱۳۵۹/۷/۱۹ تیپ ۶ زرهی ارتش عراق پس از عبور از رود کارون با دستیابی به جاده آبادان - اهواز، با دستگیری ۹۰۰ نفر از مردهای مردمی که از آبادان به طرف اهواز در حرکت بودند و آواره نمودن زنان و کودکان آنها در بیابان های منطقه، به سوی آبادان بازگشتند.

۲. این جاده به پیشنهاد سپاه پاسداران و تلاش مثال زدنی جهاد سازندگی فارس از خطوط خودی در محور ماهشهر - آبادان به فاصله چند کیلومتری از خط دشمن به جزیره آبادان احداث شد. (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۲۸۷)

بسترها و اقدامات اولیه عراق و ایران

ارتش عراق پس از ناکامی در تصرف سریع خوزستان و محاصره اهواز، تلاش اصلی خود را برای تسلط بر رودخانه اروند و تصرف خرمشهر و جزیره آبادان متمرکز کرد. (حبیبی، ۱۳۷۶: ۶)

نیروهای عراقی پس از اشغال خرمشهر در ۱۳۵۹/۷/۴، با پرهیز از عملیات دشوار عبور از رودخانه اروند و با بهره گیری از تجربه تلخ و سخت عبور از سد مدافعان خرمشهر، از حمله مستقیم به آبادان خودداری نموده و ترجیح دادند آبادان را ابتدا محاصره و سپس تصرف نمایند؛ بنابراین مانور محاصره آبادان را از مرز شلمچه به سمت کارون و عبور از رودخانه و سپس پیشروی به سوی بهمنشیر طراحی کردند. بر اساس این مانور، می بایست واحدهایی از ارتش از منطقه مارد (در ۱۲ کیلومتری شمال آبادان) و شمال آن از رودخانه کارون عبور کرده و با تصرف دو جاده آبادان - اهواز و آبادان - ماهشهر و استقرار در شمال رودخانه بهمنشیر، آبادان را به محاصره درآورند.^۱ (حبیبی، ۱۳۷۶: ۷۷)

نیروهای عراقی با اجرای این مانور احاطه ای، در گام بعدی با هدف رخنه به جزیره آبادان در روز ۱۳۵۹/۷/۸ در مقابل کوی ذوالفقاری بر روی رودخانه بهمنشیر پل شناور نصب کردند. صبح روز بعد در حدود دو گردان از نیروهای عراقی با استفاده از غفلت مدافعان آبادان از منطقه ذوالفقاری و خاکستان وارد آبادان شدند اما با مقاومت سرسختانه نیروهای مردمی، سپاه و ارتش روبرو شده و با دادن تلفات ناگزیر به عقب نشینی به شمال رودخانه بهمنشیر شدند. (حبیبی، ۱۳۷۶: ۸۶)

با استقرار نیروهای عراقی در این منطقه و محاصره آبادان، تنها راه دسترسی به شهر و جزیره آبادان به مسیرهای دریایی و سپس جاده منشعب از محور ماهشهر - آبادان (از طریق خور کویران چوبیدر به نام جاده وحدت) محدود گردید.^۲ با مسدود شدن راه های زمینی و آتشباری

مداوم توپخانه دشمن بر روی شهر آبادان و محاصره این شهر، ساکنینی که هنوز در آبادان باقیمانده بودند زندگی سختی را می گذراندند اما از روحیه خوبی برخوردار بودند و ادارات اصلی مانند فرمانداری، شهرداری، آب و برق و مخابرات به کار روزانه خود مشغول بودند. برگزاری هفتگی نماز جمعه شهر به امامت آیت ا... جمی امام جمعه شهر و حضور دائمی ایشان در شهر و تلاش نامبرده در تشویق مردم و مدافعین شهر به ایستادگی و مقابله با دشمن از عوامل مهم تداوم اراده مقاومت در

روحیه مردم و مدافعین آبادان بود. (حبیبی، ۱۳۷۶: ۹۱-۹۲)

هرچند در سایه مقاومت هایی که صورت گرفت، ارتش عراق از جزیره آبادان عقب رانده شد، اما حضور نیروهای عراقی در شمال جزیره همچنان تهدید کننده بود؛ لذا نیروهای حاضر در منطقه برای

یکی از اهداف سرزمینی
رژیم بعثی عراق در حمله
نظامی به خاک ایران تسلط
بر دو کرانه اروند رود بود

جلوگیری از حرکت احتمالی ارتش عراق ۳ جبهه را شامل جبهه آبادان، جبهه دارخوین و جبهه ماهشهر در مقابل آن گشودند. (حبیبی، ۱۳۷۶: ۹۶-۹۷)

در دوره محاصره شهر آبادان، نیروهای ایران ۵ عملیات رابه شرح ذیل در منطقه شرق رود کارون انجام دادند:

- عملیات سه راهی آبادان، ۵۹/۹/۱۹؛
- عملیات توکل ۶۰/۱۰/۲۰؛
- عملیات تپه های مدن، ۶۰/۲/۲۵؛
- عملیات فرمانده کل قوا، ۶۰/۳/۲۱؛ و
- عملیات شهید چمران، ۶۰/۵/۴.

بود. (بنی لوحی و پیرمرادی، ۱۳۷۹: ۱۵۹) این مسأله فرماندهان را برای جمع آوری تمام توان و اجرای عملیات در این منطقه با هدف شکستن محاصره آبادان متقاعد کرد.

برای تحقق فرمان امام خمینی (ره) می بایست ارتش عراق از زمین های این منطقه، که بالغ بر ۱۳۰ کیلومتر مربع بود، تا غرب رودخانه کارون عقب رانده می شد. حضور بنی صدر و کارشکنی های او در جایگاه فرماندهی کل قوا باعث کندی کار و مانع تحقق چنین طرح مهمی بود. با وجود این، فرماندهان سپاه پاسداران با توجه به سفارش همیشگی امام خمینی (ره) مبنی بر ضرورت پرداختن به جبهه ها و معطوف کردن توجه اصلی به جنگ، به طرح ریزی عملیات در شرق کارون و منطقه آبادان پرداختند. (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۲۸۸-۲۸۹) مهم ترین تلاش هایی که سپاه پاسداران برای طراحی عملیات شکستن محاصره آبادان انجام داد آماده سازی طرح مارد در اواخر سال ۱۳۵۹ و طرح عملیاتی حمزه سید الشهداء (ع) در بهار ۱۳۶۰ بود. طرح اول با توجه به برآوردهای موجود و منوط شدن موفقیت عملیات به بسته شدن پل مارد و همچنین ضعیف بودن احتمال موفقیت آن در اجرا و دیگر نارسایی ها در «شورای عالی سپاه» رد شد. اما طرح دوم به صورت مقدماتی توسط واحد عملیات سپاه آبادان تهیه و در جلسات ستاد عملیات جنوب (در پادگان گلف اهواز) با حضور مسئولین سپاه از جمله آقایان محسن رضایی، رحیم صفوی، غلامعلی رشید، حسن باقری، علی شمخانی و همچنین علی صیاد شیرازی تکمیل شده و برای تصویب در شورای عالی به تهران ارسال شد. (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۲۹۰) سرانجام در جلسه ای در پایگاه هوایی دزفول (حاضرین در جلسه شامل افراد زیر بودند: رئیس جمهور

این عملیات های ایزدایی و محدود اگرچه به آزادسازی مناطق اشغالی منجر نشد لیکن در سلب آرامش و فرسایش قوای دشمن، جلوگیری از تمرکز نیروهای ارتش عراق و جلوگیری از توسعه سرپل اشغالی آنها در شرق کارون تأثیر قابل ملاحظه ای داشت (حبیبی، ۱۳۷۶: ۹۸-۱۰۲).

عملیات ثامن الائمه (ع): دلایل، موانع و طرح ها

تأکید امام خمینی (ره) در تاریخ ۵۹/۸/۱۴ مبنی بر اینکه «حصر آبادان باید شکسته شود»، باعث شد

طراحی و برنامه ریزی

برای اجرای عملیاتی

در جهت تحقق این

فرمان و عقب راندن

ارتش عراق از

زمین های شرق

رودخانه کارون به

صورت ویژه مورد

توجه قرار بگیرد

(صفوی و اردستانی،

۱۳۸۸: ۲۸۸).

عامل دیگری که

فرماندهان را به

اجرای عملیات در

این منطقه ترغیب می کرد رعایت تناسب میان

توان رزمی موجود و هدف انتخاب شده بود.

وسعت زمین های اشغالی توسط دشمن در این

منطقه با توجه به عارضه طبیعی (رودخانه کارون)

در پشت سر دشمن، نسبت به سایر مناطق در

تصرف ارتش عراق کمتر بود. همچنین حضور

ناقص ارتش عراق در شرق کارون و اتکا به دو پل

موجود بر روی رودخانه کارون عمده تأثیری از

باورهای ذهنی غلط ارتش عراق نسبت به توانایی

نیروهای ایرانی از یک سو و رجحان اهداف

سیاسی (محاصره شهر آبادان) بر اهداف نظامی

در دوره محاصره

شهر آبادان، نیروهای ایران

پنج عملیات را در منطقه

شرق رود کارون

انجام دادند

ارتش و لشکر ۷۷ خراسان که جدیداً در منطقه آبادن مستقر شده بود هماهنگ شود (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۲۹۱-۲۹۲). وظیفه توجیه این لشکرها به حسن باقری واگذار شد. برای این منظور، وی جلساتی را در قرارگاه لشکر ۷۷ خراسان در ماهشهر تشکیل داد و مسئولین این لشکر را نسبت به طرح و منطقه عملیات به طور کامل

توجیه کرد اما با توجه به تشدید بحران‌های داخلی، اجرای این طرح برای مدت کوتاهی مسکوت ماند. (بنی لوحی و پیرمرادی، ۱۳۷۹: ۱۷۳).

در پی حذف بنی صدر از فرماندهی کل قوا، طرح عملیاتی حمزه سیدالشهداء (ع) مجدداً مطرح شد. پس از چند جلسه مشورتی با حضور فرماندهان سپاه و ارتش، نهایتاً در نهم تیرماه ۱۳۶۰ پس از بحث و بررسی و تعهد سپاه برای آماده کردن حداقل ۱۵ گردان مانوری، قابل اجرا تشخیص داده شد. در نهایت، این طرح کلی با استفاده از تجارب و نتایجی که از عملیات فرمانده کل قوا^۱ به دست آمد، اصلاح و تکمیل شد و طرح تکمیلی در تاریخ ۱۳۶۰/۴/۲۵ تهیه و برای مراجع ذیربط ارسال شد. کلیات طرح مانور به صورت مانور دو طرفه از سمت دارخوین و



(ابوالحسن بنی صدر)، نخست وزیر (محمدعلی رجایی)، رئیس مجلس شورای اسلامی (حجت الاسلام علی اکبر هاشمی رفسنجانی)، نمایندگان امام در این شورا (آیت الله سید علی خامنه‌ای، حجت الاسلام محمد منتظری و علی اکبر پرورش)، جانشین ستاد مشترک ارتش (سرتیپ فلاحی)، فرمانده نیروی زمینی ارتش (سرتیپ قاسمعلی ظهیرنژاد) (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۲۹۲). با حضور اعضای شورای عالی دفاع، رحیم صفوی، نماینده سپاه پاسداران و فرمانده ستاد عملیات جنوب (سپاه)، طرح عملیاتی حمزه را ارایه کرد که علیرغم مخالفت بنی صدر با این طرح و با توجه به تأکید امام (ره) مبنی بر شکسته شدن محاصره آبادان و نظر موافق نمایندگان امام، طرح سپاه تصویب شد. در ضمن با نظر تیمسار ظهیرنژاد مقرر شد این طرح با

۱. عملیات فرمانده کل قوا روز ۲۱ خرداد ۱۳۶۰ در شمال منطقه اشغالی شرق رودخانه کارون به اجرا درآمد و تجربیات پر ارزش و تعیین کننده‌ای را برای فرماندهان خودی به همراه داشت. عدم پافشاری به تک جبهه‌ای، ضرورت اجرای عملیات در شب، ضرورت استفاده بیشتر از تاریکی شب، تأثیر حضور فرماندهان در خطوط مقدم، تأثیرات هماهنگی بین ارتش و سپاه و لزوم هماهنگی بین نیروهای تک‌ور و آتش توپخانه و ... از جمله آموزه‌های این عملیات بودند که در طراحی عملیات ناامن الاثم (ع) مورد توجه قرار گرفتند. در نتیجه این عملیات که به آزادسازی حدود چهار کیلومتر مربع از منطقه اشغالی جنوب روستای سلیمانیه شد، خط مقدم نیروهای خودی را به پل مارد نزدیک کرد به همین دلیل دشمن پل مارد را برچید و به دو پل «قصه» و «حفار» متکی شد (بنی لوحی و پیرمرادی، ۱۳۷۹: ۱۷۴).

«آبادان اهواز» و «آبادان ماهشهر» را که از یک سال قبل در اشغال ارتش عراق بود آزاد نمایند (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۲۹۴).

به دنبال ابلاغ طرح عملیات، مقدمات آماده سازی ها به مرور فراهم شد و طرح عملیات به صورت جزء به جزء در رده تیپ و گردان ها تهیه شد. بخشی از گردان های مانوری با حضور در خطوط پدافندی منطقه به تکمیل شناسایی خطوط اولیه عراق اقدام کرده و تا ۱۰ روز قبل از عملیات اغلب گردان های عملیاتی در منطقه عمومی آبادان مستقر شدند. (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۲۹۶)

مانور نهایی عملیات

پس از تهیه طرح اولیه و بررسی جزئیات طرح و مباحث انجام شده بین فرماندهان ارتش و سپاه، مانور عملیات ثامن الائمه (ع) نهایی شد. براساس این طرح، عملیات از چهار محور دارخوین، فیاضیه (آبادان)، ذوالفقاریه (ایستگاه هفت و ۱۲) و جاده آبادان - ماهشهر به ترتیب زیر انجام می شد: (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۲۹۷)

الف) جبهه شمالی (دارخوین):

این جبهه در شمال منطقه عملیاتی از محورهای اصلی عملیات بود. در این جبهه، نیروهای خودی از دو محور روستای محمدیه (از شمال) و نهر شادگان (از شرق) به دشمن حمله کرده و پس از الحاق با یکدیگر در محل تلاقی نهر شادگان و جاده اهواز - آبادان و بستن عقبه نیروهای عراقی در شمال منطقه عملیاتی ثامن الائمه (ع) با پیشروی به عمق منطقه، به هدف اصلی این محور یعنی پل قصبه (روی کارون) دست می یافتند.

ب) جبهه جنوبی (فیاضیه):

این جبهه در جنوب منطقه عملیاتی و از محورهای اصلی عملیات بود. عملیات از سه

فیاضیه و با سه محور تلاش پشتیبانی ایستگاه هفت و ایستگاه ۱۲ و محور جاده ماهشهر - آبادان طرح ریزی گردیده بود.

با توجه به مشترک بودن عملیات بین سپاه و ارتش، مباحث مربوط به تکمیل طرح ادامه یافت و پس از هماهنگی های لازم در ستاد عملیات جنوب سپاه، سرانجام طرح نهایی عملیات در آغاز دهه دوم شهریور ۱۳۶۰ تهیه و در ۱۵ شهریور توسط فرماندهان مسئول تأیید شد. با امضای مشترک سرهنگ شهاب الدین جوادی، فرمانده لشکر ۷۷ خراسان، و سیدرحیم صفوی، فرمانده ستاد عملیات جنوب، طرح

نهایی به یگان های عملیاتی ابلاغ گردید و بر این اساس اقدامات آماده سازی که از مدت ها قبل شروع شده بود از این پس با سرعت بیشتری ادامه یافت (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۲۹۳).

بر اساس این طرح، لشکر ۷۷ خراسان و نیروهای

سپاه پاسد اران مأموریت یافتند به منظور شکستن محاصره شهر آبادان به نیروهای عراقی مستقر در زمین های شرق رودخانه کارون در شمال این شهر (از ساحل شرقی کارون تا جاده ماهشهر آبادان) حمله کنند. همچنین مقرر شد با تصرف و انهدام دو پل «قصبه» و «حفار» بر روی رودخانه کارون، که جاده مواصلاتی و عقبه نیروهای عراقی در این منطقه محسوب می شد، یگان های دشمن را، که به استعداد یک لشکر تقویت شده بود، محاصره کنند و زمین های شرق رودخانه کارون به وسعت ۱۳۰ کیلومتر مربع و دو جاده

براساس توافق فرماندهان

ارتش و سپاه، مقرر شد،

در مرحله اجرا فرماندهی

عملیات به صورت مشترک

انجام شود

د) جبهه ماهشهر (جاده آبادان - ماهشهر):

نیروهای این جبهه فرعی مأموریت داشتند از شرق به غرب، به موازات جاده (ماهشهر - آبادان) به دشمن حمله کرده و ضمن آزادسازی ایسن جاده، نیروهای عراقی را درگیر نگهدارند و مانع از تمرکز قوای آنان در دو جبهه اصلی عملیات یعنی «دارخوین» و «فیاضیه» شوند.

در رابطه با تأمین آتش توپخانه، ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۰ آتشبار (شامل: کاتیوشا و توپ های ۱۳۰م.م، ۱۵۵م.م، ۱۷۵م.م و ۲۰۳م.م)، چهار گردان کامل (شامل: کاتیوشا و قبضه های ۱۵۵م.م، ۱۰۵م.م) و چهار گردان منها (شامل: کاتیوشا و قبضه های ۱۰۵م.م و ۱۵۵م.م) را در منطقه مستقر کرد. وظیفه این یگان ها اجرای آتش بر روی مواضع، نقاط تجمع یگان های دشمن و اهداف تعیین شده در شرق و غرب کارون بود (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۵: ۶-۱).

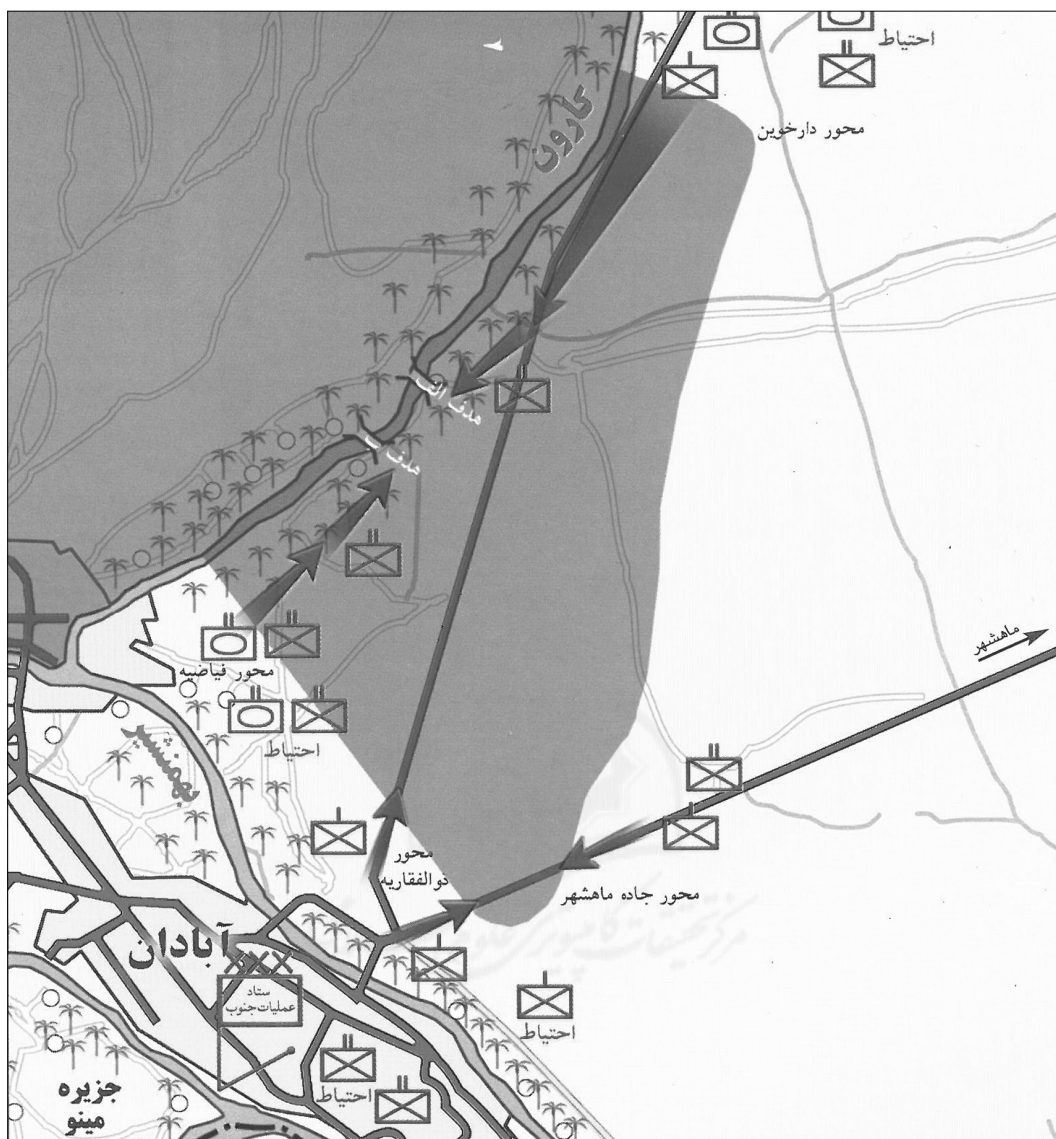
هوانیروز نیز مأموریت یافت با دو تیم هجومی، عملیات گردان ها را به طور مداوم پشتیبانی کند. همچنین توپخانه پدافند هوایی تا آستانه عملیات، ۶۴ قبضه توپ پدافند شامل قبضه های ۱۴/۵م.م، ۲۳م.م، ۵۷م.م و شلیکای خودکشی را برای مقابله با حمله هواپیماها و هلی کوپترهای ارتش عراق در منطقه عمومی عملیات مستقر کرد (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۵: ۲۲). برای اجرای این عملیات، لشکر ۷۷ ارتش با سه تیپ شامل هشت گردان پیاده، سه گردان تانک،



محور «ساحل کارون»، «جاده اهواز و آبادان» و حدفاصل بین جاده (اهواز-آبادان) و ساحل کارون با پیشروی به سمت شمال انجام می شد. اصلی ترین مأموریت این جبهه، تصرف پل حفار (یکی از دو پل مواصلاتی بر روی کارون) بود که باید پس از انجام آن با نیروهای محور شمالی (دارخوین) در ساحل شرقی کارون الحاق می کردند. براساس پیش بینی های انجام شده، در صورت تصرف این دو پل و محاصره نیروهای عراقی در شرق کارون توسط نیروهای جبهه شمالی و جنوبی عملیات، مقاومت دشمن در این منطقه درهم شکسته و سازمان آنها از هم می پاشید.

ج) جبهه ذوالفقاری:

نیروهای این جبهه ضمن اینکه جناح راست جبهه فیاضیه در محور ایستگاه ۷ و ایستگاه ۱۲ را پوشش دادند، مأموریت انهدام خطوط دفاعی عراق در دو طرف جاده «آبادان - اهواز» و پیشروی به سمت شمال و سپس پاکسازی بخشی از منطقه تصرف شده را بر عهده داشتند.



فرماندهی عملیات ثامن الائمه (ع)

نحوه فرماندهی از ویژگی های بارز این عملیات به شمار می آید. براساس توافق فرماندهان ارتش و سپاه، مقرر شد همانگونه که طراحی عملیات به صورت مشترک انجام شده، در مرحله اجرا نیز فرماندهی عملیات به صورت مشترک انجام شود. به این ترتیب که فرماندهان ارتش و سپاه هر

یک گردان سواره زرهی و سپاه پاسداران نیز طبق تضمینی که برای آماده کردن ۱۵ گردان مانوری داده بود، حداقل ۱۶ گردان پای کار آورد. ژاندارمری نیز با یک گردان (۱۰۷) و نیروهای مردمی مستقر در منطقه، آماده شرکت در این عملیات شدند. (حسینی و جوادی پور، ۱۳۷۳: ۲۵۰)

فرماندهی نیروها را بر عهده داشتند. برای فرماندهی نیروهای در خط نیز هماهنگی‌هایی صورت گرفت. با توجه به برتری استعداد نیروهای پیاده سپاه و از سوی دیگر شناسایی‌های خوبی که این نیروها و به خصوص نیروهای آبادان از زمین منطقه داشتند فرماندهی نیروهای پیاده، عمدتاً به سپاه پاسداران واگذار شد (صفوی اردستانی، ۱۳۸۸: ۳۵۸).

رحیم صفوی در جلسه جمع بندی عملیات در ۶۰/۷/۷ در آبادان در این باره گفت: تمامی فرماندهان پیاده

محورها را سپاه عهده دار بود و برادران ارتشی چندین مرتبه اعتراض کردند که چرا فرماندهان (در خط) را از سپاه گذاشته اید که به دو دلیل بود: یکی شناسایی خوبی بود که برادران (سپاه) از منطقه داشتند. دوم اینکه فرمانده تیپ دو (سرهنگ کمتری) به

از جمله نکات قابل توجه در فرماندهی خط مقدم، حضور نیروهای کیفی و قدیمی سپاه در کنار و همپای نیروهای رزمنده و تک‌ور بود

من گفت که بیشتر فرماندهان را از سپاه بگذارید. از جمله نکات قابل توجه در فرماندهی خط مقدم، حضور نیروهای کیفی و قدیمی سپاه در کنار و همپای نیروهای رزمنده و تک‌ور بود که به کیفیت عمل و هدایت آنان کمک شایانی می‌کرد. تنها در محور نهر شادگان، یکی از دو محور جبهه شمالی، همراه گردانی که از این نهر به عمق منطقه دشمن حمله می‌کرد ۵۰ نفر از مسئولین منطقه خوزستان از جمله حسین خرازی، مصطفی ردانی پور، یدا... کلهر، محمد جعفر اسدی، مرتضی قربانی، سید علی بنی لوحی، بنادری و ...

کدام در قرارگاه مرکزی و قرارگاه‌های تابعه به طور مشترک عملیات را اداره کنند و نیروهای ارتش و سپاه با یکدیگر ادغام شوند (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۳۵۸).

براساس این طرح، تیمسار قاسمعلی ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی ارتش و یوسف کلاهدوز قائم مقام فرمانده کل سپاه در قرارگاه مشترکی در نخلستان‌های منطقه عمومی شادگان در کنار جاده ماهشهر - آبادان، در درون یک چادر مستقر شدند و فرماندهی چهار منطقه عملیاتی نیز به ترتیب زیر استقرار یافتند:

* جبهه دارخوین:

حسن باقری مسئول اطلاعات ستاد عملیات جنوب و سرهنگ دوم مهدی فرمانش فرمانده تیپ سه لشکر ۷۷ فرماندهی را بر عهده داشتند. حسین خرازی و حجت الاسلام مصطفی ردانی پور هدایت نیروها را در خط عهده دار بودند.

جبهه فیاضیه:

فرماندهی این جبهه بر عهده رحیم صفوی فرمانده ستاد عملیات جنوب سپاه و سرهنگ منوچهر کهتری فرمانده تیپ دو لشکر ۷۷ بود. احمد کاظمی و یداله کلهر هدایت نیروها را در خط بر عهده داشتند.

جبهه ذوالفقاری (ایستگاه‌های هفت و ۱۲):

غلامعلی رشید جانشین فرمانده ستاد عملیات جنوب سپاه و سرهنگ منوچهر امینیان فرمانده تیپ یک لشکر ۷۷، این جبهه را فرماندهی می‌کردند. محمد جعفر اسدی و مرتضی قربانی نیروهای در خط را هدایت می‌کردند.

جبهه ماهشهر:

اسحاق عساکره و فرمانده یگان ژاندارمری،



همپای رزمندگان در صحنه درگیری ها حضور داشتند. نتیجه چنین حضوری، بالا رفتن روحیه نیروهای عملیاتی و افزایش ضریب موفقیت نیروهای خودی بود (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۷: ۱۳).

مانور احاطه‌ای جبهه دارخوین

از جمله ویژگی های طرح عملیات، پیش بینی مانور

احاطه ای از محور نهر شادگان در جبهه دارخوین بود. بررسی جبهه دشمن در زمین های شرق کارون نشان می داد ارتش عراق در جبهه شمالی شرق کارون به دلیل پیشروی آب هور «شادگان» موفق به ایجاد خطوط دفاعی به هم پیوسته ای در حد فاصله جبهه ماهشهر و جبهه دارخوین نشده است. در این فاصله حدود ۱۶ تا ۱۸ کیلومتر فضای باز بدون عارضه طبیعی یا مصنوعی وجود داشت. از این رو، محدوده نهر شادگان (این نهر که دارای عرض چهار تا پنج متر و عمق حدود دو متر است از شهر شادگان شروع شده و به منطقه مارد در حاشیه رود کارون منتهی می شود. نهر شادگان، آب های سرریز (اضافی) هور شادگان را به کارون منتقل می کرد. در برخی از فصول سال، نهر خشک شده و امکان تردد در آن فراهم می شد.) برای مسیر حرکت گردان ها به عمق منطقه دشمن انتخاب شد (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۱۶۷ و ۱۹۷).

اجرای عملیات از محور نهر شادگان به سبب آن که از مقابله مستقیم با خطوط دفاعی محکم ارتش عراق پرهیز و به جناح آن حمله می شد اهمیت

داشت. در صورت نفوذ نیروهای خودی به عمق دشمن، سه رده اصلی دفاعی ارتش عراق در جبهه شمالی دور زده می شد و شرایط برای دسترسی به عقبه نیروهای عراقی بر روی رودخانه کارون فراهم می گردید. در انتخاب این محور و فراهم کردن شرایط برای به نتیجه رسیدن تلاش ها، شناسایی های انجام شده توسط حسن باقری نقش اصلی و اساسی را ایفا کرد (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، سند شماره ۴۱۱: ۲۷).

سردار سرلشکر غلامعلی رشید در یکی از دست نوشته های خود در سال ۱۳۶۱ در این باره می نویسد:

«در عملیات بزرگ ثامن الائمه (ع) فرماندهی محور دارخوین به حسن باقری واگذار شد که مهم ترین و فعال ترین محور عملیاتی بود. وی با حضور در محورهای شناسایی، چندین بار با گروه های شناسایی تا چندین قدمی خطوط مقدم دشمن پیش رفت و شخصاً از نزدیک امور را نظارت و هدایت کرد. وی حتی جزئیات مانور و راهکارهای گردان ها و گروهان ها را کنترل نمود تا اطمینان حاصل کرد نیروها از آمادگی لازم برای

حمله به دشمن از محورهای تعیین شده برخوردار هستند. لذا راهکار حمله به عقبه دشمن توسط حسن باقری پیشنهاد شد (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، سند شماره ۴۱: ۲۸).

طرح آتش زدن کارون

از جمله تدابیر پیش بینی شده در مانور، انتقال جریان نفت سیاه به روی رودخانه کارون و آتش زدن آن در محدوده تحت کنترل عراقی ها در صبح روز اول عملیات بود که به طرح «آتش زدن کارون» موسوم شد. هدف از اجرای این طرح، جلوگیری از پشتیبانی نیروهای دشمن از طریق دو پل (قصبه و حفار) و اختلال در ارتباط بین نیروهای عراقی در شرق و غرب رودخانه بود. براساس این تدبیر و با همکاری نیروهای شرکت نفت و سایر ارگان های ذیربط، لوله های انتقال نفت تا ۳۰۰ متری ساحل شرقی کارون کشیده شدند و سپس در فاصله انتهای لوله تا ساحل، کانال هایی به سمت کارون حفر شد و قرار شد در زمان مقرر با باز کردن لوله ها حجم زیادی نفت سیاه از طریق کانال ها به رودخانه جاری شود و از ساعت های اولیه صبح عملیات و بنا به دستور با آتش زدن نفت روی آب، آتش به پل ها سرایت کرده و در ارتباط نیروهای عراقی در شرق و غرب کارون اختلال ایجاد شود (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۳).

شرح عملیات ثامن الائمه (ع)

سرانجام پس از مذاکرات نسبتاً طولانی و فراهم کردن تمهیدات لازم برای اجرای عملیات و متقاعد شدن فرماندهان ارتش برای آغاز عملیات در شب، نهایتاً در جلسه ای با حضور تیمسار ظهیرنژاد، رحیم صفوی، حسن باقری و فرماندهان تیپ های عمل، ساعت ۱ بامداد روز یک شنبه ۱۳۶۰/۷/۵ برای اجرای عملیات تعیین

شد (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۲۹۲). همچنین به پیشنهاد ارتش، نام عملیات از «حمزه سیدالشهداء (ع)» به «ثامن الائمه (ع)» تغییر یافت (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۳۱۲). در ساعات پایانی روز ۱۳۶۰/۷/۴ نیروهای عمل کننده در عملیات، آخرین آمادگی های نیروها را برای اجرای عملیات کنترل کرده و گردان های خط شکن برحسب دوری یا نزدیکی به دشمن از ساعت ۲۱ به بعد در نهایت رعایت سکوت و احتیاط، حرکت خود را به سوی منطقه عملیات

آغاز کردند. براساس هماهنگی ها، قرار بود گردان های خط شکن در تمام محورها حدود ساعت ۲۴ به نقطه درگیری برسند و سپس از آخرین هماهنگی، آماده دریافت رمز عملیات در ساعت ۱ بامداد باشند (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۳۱۴).

شرح عملیات به ترتیب اقدام نیروها به شرح زیر است:

الف) جبهه آبادان - ماهشهر:

هرچند حرکت گردان های خط شکن به سمت مواضع عراقی ها بدون حادثه خاصی آغاز شد. لکن به رغم همه تلاش ها برای خودداری از درگیری پیش از ساعت مقرر (یک بامداد)، ستون نیروهای خودی در این محور فرعی توسط عوامل تیربار دشمن رویت شدند؛ لذا یک ساعت مانده به اعلام رمز عملیات، درگیری به شکل اجتناب پذیری در این محور آغاز شد.

عملیات ثامن الائمه (ع)
از چهار محور دارخوین،
فیاضیه (آبادان)، ذوالفقاریه
و جاده آبادان - ماهشهر
انجام شد

ب) جبهه دارخوین:

چهار گروهان و یک گردان از شمال و پنج گروهان و یک گردان از شرق و از طریق نهر شادگان وارد عمل شدند. در محور شمالی، عراق با حساسیتی که به خط اول خود داشت و محتمل دانستن حمله نیروهای ایرانی از این سمت (عملیات فرماندهی کل قوا در این منطقه انجام شده بود)، در حدفاصل رودخانه کارون و جاده اهواز - آبادان مقاومت شدیدی کرد و مانع پیشروی سریع نیروهای خودی شد؛ لذا در چند ساعت اول عملیات، این خط سقوط نکرد. در محور نهرشادگان در حالی که نیروها به ۲۰۰ تا ۳۰۰ متری خاکریز اول دشمن رسیده بودند منوره‌های عراق به یکباره منطقه را روشن کرد اما نیروهای عراقی متوجه حضور نیروهای ایرانی در منطقه نشدند.

گروه مهندسی سپاه در شرایطی که درگیری در سایر محورها آغاز شده بود هفت معبر در میدان مین جلوی خاکریزهای دشمن باز کرد و نیروهای خط شکن گردان مقداد از این میدان‌ها عبور کردند. در ساعت ۱:۵۰ دقیقه، این نیروها با هجوم به مواضع دشمن، گردان زرهی صلاح الدین عراق را منهدم کردند. این نیروها تا ساعت ۳:۳۰ دقیقه صبح، پنج کیلومتر در عمق منطقه نفوذ کرده و از کناره‌های نهرشادگان خود را به جاده «اهواز - آبادان» رساندند و بدین ترتیب از پشت (جنوب) خاکریز سوم دشمن در جبهه شمالی عملیات سردرآوردند. این در حالی بود که خط اول دشمن در این جبهه هنوز سقوط نکرده بود و عراقی‌ها در حدفاصل این جاده و ساحل کارون تردد می‌کردند، لذا نیروهای محور نهرشادگان پیشروی خود را به سمت ساحل کارون ادامه داده و تا ساعت پنج صبح (و در آستانه روشن شدن هوا) به رودخانه کارون رسیده و عقبه جبهه شمالی دشمن را به طور کامل

با دستور فرمانده گردان، نیروها به خط عراق حمله کردند و با سرعت عمل آنان، خط اول عراق در این جبهه به سرعت سقوط کرد (مرکز تحقیقات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۵: ۱-۵). این نیروها از شرق و غرب (از سمت آبادان و ماهشهر) به مواضع دشمن نفوذ کردند. آنها با اجرای یک مانور احاطه‌ای پس از عبور از خاکریز در کناره‌های دوطرف جاده از سمت ماهشهر و از سمت آبادان، پیشروی کرده و تا ساعت دو بامداد، نیروهای دشمن را محاصره کردند.

با آغاز درگیری در این محور، با تصمیم فرماندهان عملیات قرار شد از درگیری در سایر محورها خودداری شود تا دشمن از انجام یک تک گسترده در چند محور آگاهی پیدا نکند.

همچنین بنا به دستور برای طبیعی جلسه دادن اوضاع

عمومی منطقه، برخی قبضه‌های آتش و تیربارها تیراندازهای پراکنده‌ای انجام دادند تا وضعیت عادی و طبق روال معمول جلوه کند. نیروهای این محور پس از تکمیل محاصره نیروهای عراقی در این محدوده و تصرف خاکریز ۱/۵ کیلومتری دشمن، تمام تجهیزات آنها شامل ۲۰ دستگاه تانک و نفربر و تعدادی خمپاره‌اندازهای مختلف را به غنیمت گرفتند. تنها تعدادی از نیروهای دشمن قبل از تکمیل محاصره به شمال جاده فرار کردند (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۷: ۱-۵).

راهکار حمله**به عقبه دشمن در جریان****عملیات ثامن الائمه (ع)****توسط حسن باقری****پیشنهاد شد**

یگان‌های قرارگاه نیز پابه فرار گذاشتند. در این میان، محور تیپ هشتم بدون فرمانده ماند. (مرکز تحقیقات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۵: ۱-۵) در حالی که فرماندهان خودی در این جبهه در حال تدبیر چگونگی پیشروی در عمق منطقه برای تصرف پل قصبه بودند؛ نیروهای حاضر در خط مقدم، با هدایت فرماندهان حاضر در خط مقدم به ویژه «حسین خرازی» به سمت «پل قصبه» حرکت کردند و فاصله ۲/۵ کیلومتری تا پل را در کمتر از یک ساعت پیمودند و در ساعت ۶/۵ صبح

یکی از دو عقبه اصلی عراق به تصرف درآمد.

روایست علی زاهدی فرمانده یکی از گردان‌های این محور در شرح وقایع این ساعات این گونه است:

«درگیری شدید بود و بچه‌ها در دشت پخش شده بودند، مانده بودیم که چه کار کنیم. جلوی ما پل

مارد بود. در این شرایط که درگیری شدت داشت ناگهان حسین خرازی را دیدیم که آن جلو روی خاک‌ها نشسته و از روی نقشه، محل خودی و دشمن را کنترل می‌کند. ما را توجیه کرد و حرکت نهایی ما به طرف عمق منطقه شروع شد. حالا به نزدیکی پل قصبه رسیده بودیم، یک ستون بسیار زیاد تانک و نفربر عراقی‌ها در حال فرار به سمت پل قصبه بودند. حدود ۴۵ دقیقه بعد، بعضی از نیروهایی که از خط رضایی‌ها (محور شمالی) حمله کرده بودند به ما رسیدند و الحاق کردیم.» (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۳۲۸)

مسدود کردند. سپس بخشی از آنان از پشت به خاکریز سوم و دوم عراق هجوم بردند و به زودی آخرین مقاومت نیروهای عراقی در خاکریز دوم هم به شکست انجامید و خاکریزهای عراق در جنوب روستای محمدیه به طور کامل تصرف و پاکسازی شد و نیروهای دو محور جبهه دارخوین با هم الحاق کردند. (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۵: ۱-۱۲).

سازمان تیپ ۸ مکانیزه عراق در جبهه شمالی عملیات کاملاً منهدم و از هم پاشید. در یکی از اسناد موجود در مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس درباره وضعیت فرمانده تیپ هشت مکانیزه عراق در آن دقایق این گونه آمده است: پس از رخنه نیروهای ایرانی در مواضع تیپ هشت مکانیزه، فرمانده لشکر سه عراق درخواست کرد نیروهای احتیاط منطقه، شامل یک گردان تانک و یک گروه از نیروی مخصوص برای پشتیبانی از تیپ هشتم وارد عمل شوند. هنگامی که فرمانده گردان نهم نیروی مخصوص همراه با فرمانده گروهان سوم به قرارگاه تیپ هشتم رسیدند موقعیت بسیار بد بود. فرمانده تیپ هشتم سرهنگ ستاد «علی العلگاوی» در یک وضعیت بسیار دستپاچه‌ای به سر می‌برد و نقشه‌ها و کتاب‌ها را پاره می‌کرد و یک حالت کاملاً انفعالی به خود گرفته بود و نمی‌دانست چه کند. فرمانده گردان نهم نیروی مخصوص از او خواست که آرامش خود را حفظ کند و موقعیت کلی را بیان کند. او پاسخ داد وضع پدافندی تیپ کاملاً خراب است و به دست نیروهای ایران افتاده و این نیروها در حال پیشروی به سمت قرارگاه (تیپ) هستند. با طلوع آفتاب، فرمانده تیپ هشتم به همراه سرهنگ دوم ستاد خمیس مختلف (که با درجه سرهنگ تمام ستاد در عملیات بیت المقدس اسیر شد) از منطقه گریختند و سایر افسران ستاد تیپ و برخی

از جمله ویژگی‌های طرح
عملیات ثامن الائمه (ع)،
پیش‌بینی مانور احاطه‌ای
از محور نهر شادگان در
جبهه دارخوین بود

کردند. نیروهای عراقی نیز با اجرای آتش شدید به مقابله برخاستند و به دلیل نبود عارضه و جان پناه، تلفاتی به نیروهای خودی وارد شد. با ادامه فشار نیروهای خودی، خاکریز اول عراق سقوط کرد اما هشیاری نیروهای رده دوم باعث شد تا ساعت پنج صبح درگیری ها ادامه داشته باشد و خاکریز دوم سقوط نکرد. (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۷: ۷)

در محور ایستگاه ۱۲ به علت تعلل گردان ۱۱۲ و عدم حمایت مناسب واحدهای زرهی در دو ساعت اول عملیات اقدام خاصی صورت نگرفت؛ اما با پیگیری های فرماندهان رده بالاتر در حرکت دادن تانک های خودی در ساعت سه صبح، خاکریز اول عراق سقوط کرد. با این وجود مقاومت نیروهای عراقی در خاکریز دوم مانند ایستگاه هفت سرسختانه بود (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۷: ۷).

نیروهای ایستگاه هفت و ۱۲ در ساعت پنج صبح با هم الحاق کردند. قبل از آنکه این نیروها به ادامه پیشروی موفق شوند، در آغاز روشنی هوا (بین ساعات پنج و شش صبح) عراق با ۱۵ تانک به پاتک اقدام کرد که با مقاومت نیروهای خودی تلاش نیروهای عراقی خنثی شد. از آنجا که ادامه پیشروی با تهدید از جناح چپ (سمت ساحل کارون و محور فیاضیه) همراه بود بنا به دستور، ادامه پیشروی با هماهنگی محور فیاضیه و به صورت همزمان انجام شد و نیروهای این جبهه موفق شدند تا ساعت ۱۰ صبح خاکریز دوم دشمن را تصرف کرده و حدود ۱۵۰ عراقی را در این منطقه به اسارت بگیرند (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۷: ۸).

جبهه فیاضیه:

نیروهای این جبهه در سه محور (سمت راست، غرب جاده آبادان - اهواز؛ وسط؛ سمت چپ،

حسن باقری فرمانده جبهه دارخوین نیز درباره تقدم اقدامات نیروها بر تصمیم فرماندهان و روان بودن حرکت نیروهای در خط به سمت عمق دشمن که ناشی از فروپاشی سازمان تیپ هشت مکانیزه عراق در جبهه شمالی بود، می گوید:

«علیرغم اینکه پشت بی سیم مواظب کل عملیات بودیم اما پیشروی عملیات دست ما نبود اگر می گفتیم پیشروی نکنید و جلو نروید کسی نبود که به حرف ما گوش کند. حداکثر کاری که کردیم مهمات، آب و غیره رساندیم و به واحد جلو گفتیم واحد

پشت سرت کجاست، مواظب دست چپت باش، مواظب دست راستت باش.» (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۷: ۶).
بلافاصله دیده بانان خودی به هدایت و تمرکز آتش توپخانه بر روی پل حفار اقدام کردند که این اقدام به درهم ریختگی بیشتر عراقی ها منجر شد.

نیروهای این جبهه پس از تصرف پل «قصبه» تا ساعت نه صبح در ۸۰۰ متری جنوب این پل به پدافند پرداختند. این در حالی بود که نبرد در محور فیاضیه گره خورده بود و عراق نیز تنها به یک عقبه نامطمئن (پل حفار) متکی بود (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۷: ۶).

جبهه ذوالفقاری:

در محور ایستگاه هفت (یکی از دو محور این جبهه)، نیروها قبل از ساعت مقرر به معابر آماده شده رسیدند و پس از اعلام رمز، به دشمن حمله

از جمله تدابیر پیش بینی شده در مانور، انتقال جریان نفت سیاه به روی رودخانه کارون و آتش زدن آن در محدوده تحت کنترل عراقی ها در صبح روز اول عملیات بود

دشمن بر حاشیه کارون مانع از پیشروی بیشتر محور وسط و راست به عمق منطقه می شد. در این میان عراق با بکارگیری واحدهای زرهی خود پاتک شدیدی را برای بازپس گیری خطوط از دست داده آغاز کرد. علاوه بر این، کمک سایر یگان های عراقی که از جبهه ذوالفقاریه عقب نشینی کرده بودند و برای کمک به حفظ سرپل «حفار» در این منطقه تمرکز یافته بودند باعث افزایش مقاومت دشمن شد (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۷: ۹).

بنابراین تارسیدن نیروهای محور دارخوین (شمال منطقه عملیات) به پل قصبه و تصرف آن، تغییری در این جبهه حاصل نشد (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۵: ۱-۳).
روز ازل و انهدام نیروهای عراق در شرق کارون:

در ساعت های اولیه پس از روشنایی هوا،

غیر از جبهه جنوبی عملیات (فیاضیه)، سازمان یگان های عراقی در اغلب مناطق زمین های شرق کارون دچار درهم ریختگی بود. نیروهای جبهه دارخوین در ساعت ۱۰ صبح بخشی از پل قصبه در ساحل شرق کارون را منفجر و واحد مهندسی نیز قسمت هایی از خاکریز حاشیه رودخانه کارون را تقویت کردند (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۳۳۲). نیروها نیز علاوه بر تقویت خطوط پدافندی به پاکسازی مناطق تصرف شده پرداختند و تا ساعت ۱۱ صبح حدود ۷۰۰ تن از نیروهای عراقی را اسیر کردند (مرکز مطالعات و

ساحل شرقی رودخانه کارون) از مسیرهای تعیین شده قبلی (در این محور نیروهای خودی برای نزدیک شدن به خط مقدم بدون جلب نظر دشمن از قبل دو تونل زیرزمینی احداث کردند که تا نزدیک خاکریز اول عراقی ها امتداد داشت). به خطوط مقدم دشمن نزدیک شده و پس از دریافت رمز عملیات، حمله خود را در ساعت یک بامداد آغاز کردند. نیروهای محور ساحل کارون با مقاومت شدید دشمن مواجه شدند. وجود موانع طبیعی و مصنوعی در حاشیه رود کارون (نخلستان ها، ساختمان ها و استحکامات) موقعیت پدافندی مناسبی را برای عراقی ها فراهم می کرد. در محور وسط (به عرض پنج کیلومتر) مقاومت نیروهای عراقی بسیار شدید بود و تیربار تانک ها، توپخانه و حتی توپ های ضدهوایی دشمن آتش پر حجم و شدیدی بر روی نیروهای خودی اجرا می کردند (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۷: ۸).

از دلایل عکس العمل شدید عراقی ها فاصله نسبتاً کوتاه خط اول عراق با هدف این جبهه یعنی «پل حفار» (پنج کیلومتر) بود؛ لذا دشمن کوشید تا با تمام توان از حرکت نیروهای ایرانی به عمق منطقه خود و دسترسی به این پل جلوگیری کند. تلاش چندباره نیروها و تدابیر مسئول جبهه (رحیم صفوی و سرهنگ منوچهر کهتری) و فرمانده نیروهای در خط (احمد کاظمی و ید... کلهر) برای دور زدن نیروهای عراقی در دو ساعت اول بی نتیجه ماند و نیروهای خودی متحمل تلفات قابل توجهی شدند. تا ساعت ۳:۳۰ دقیقه صبح در محور حاشیه کارون فقط خاکریز اول سقوط کرد و در قسمت وسط، نیروها به خاکریز اول رسیدند؛ اما به علت برخورد با میدان مین و آتش دشمن متوقف شده و در محور سمت راست به علت کندی سرعت تانک های خودی، نیروها ساعت پنج صبح به خاکریز دشمن رسیدند. تسلط

سخنگوی ارتش عراق

برای کمرنگ کردن

شکست این کشور در

عملیات ثامن الائمه (ع)،

آن را عقب نشینی تاکتیکی

عنوان کرد

کنارمان منفجر شد و سه نفر از برادران بدنشان تکه تکه و شهید شدند و رحیم و حسن به طرز معجزه آسیایی نجات یافتند.»

در صبح روز اول، درگیری در منطقه پل حفار ادامه داشت و عراق سعی می کرد ضمن خارج کردن بخش هایی از نیروها و تجهیزات زرهی خود از طریق این پل، به هر طریق ممکن سرپل شرق آن را برای سهولت در اجرای پاتک حفظ نمایند. ساعت ۱۰ صبح، عراقی ها موفق شدند حدود یک گردان تانک را از طریق پل حفار به عقب منتقل کنند. (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۷: ۹)

با توجه به تصرف پل «قصبه» و انهدام آن، از صبح روز اول، کانون توجه و اقدامات نیروهای خودی و دشمن، پل «حفار» شد.

نیروهای جبهه دارخوین تا ساعت ۱۲ خود را به ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ متری شمال پل «حفار» رسانده و در آنجا پدافند کردند و نیروهای جبهه فیاضیه نیز حدود ۳ کیلومتری جنوب این پل مستقر شده بودند (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۱: ۳۵).

عصر همان روز عراق دو گردان مکانیزه از تیپ ۱۰ زرهی را برای انجام پاتک از پل حفار عبور داد که با محاصره شدن این نیروها و انهدام بخشی از تجهیزات آنها، فرماندهی نظامی عراق در منطقه با پیش بینی امکان عبور نیروهای ایران از پل «حفار» دستور داد نیروهای عراقی به غرب کارون عقب نشینی کنند و در ۱۰۰ متری رودخانه پدافند کنند و بدین ترتیب اقدام دشمن بی نتیجه ماند (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۵: ۵-۱).

با عقب نشینی نیروهای عراقی، تعدادی از نیروهای محور دارخوین خود را به پل حفار رسانده و قصد منفجر کردن آن را داشتند که به دلیل آتش پر حجم دشمن و گرمای شدید هوا و خستگی مفرط موفق به این کار نشدند و تا ۷۰۰

اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۶: ۱-۱۴). تنها در یک مرحله، یک واحد عراقی متشکل از تانک که برای خارج شدن از منطقه از طریق پل «حفار» تلاش می کردند در دام افتاده و نیروهای عراقی تسلیم شدند که توسط رانندگان آنها و با هدایت نیروهای خودی به عقب منتقل شدند (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۷: ۱۰).

از جمله مسائلی که در فروپاشی سریع سازمان دشمن بسیار مؤثر بود هدایت قوی نیروهای عمل کننده در روی زمین و استفاده از موفقیت های به دست

آمده در ساعت های اولیه عملیات بود. شرایط به نحوی پیش می رفت که فرماندهان سپاهی سه جبهه اصلی عملیات، همراه رزمندگان در خط مقدم درگیری حضور یافتند. غلامعلی رشید مسئول جبهه ذوالفقاری در اینباره می گوید:

در عملیات شکست حصر آبادان، ۲۰۰۰ عراقی کشته و زخمی شدند و ۱۹۰۰ دستگاه تانک، نفربر، خودرو و انبار مهمات منهدم شد

«روز عملیات ساعت ۱۰:۳۰ صبح و پس از کمک نیروهای تحت امر حسن باقری به محورهای فیاضیه (به فرماندهی برادر رحیم صفوی) و ایستگاه هفت در محور ذوالفقاری (به فرماندهی بنده)، اوضاع در پل حفار سامان پیدا کرد و همدیگر را در کنار کارون ملاقات کردیم. برادر (حسن) باقری را دیدم که فانسقه ای به کمر بسته و با تجهیزات با سر و وضع کاملاً جنگی، من و رحیم (صفوی) و حسن باقری در ۵۰۰ متری حاشیه کارون بودیم جلوتر رفتیم تا وضعیت پل حفار را ببینیم که در همین حال گلوله ای در

نقش عمده‌ای در تثبیت منطقه داشت و این وضعیت به شکل نسبتاً ثابتی تا پایان روز ادامه یافت (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۳۳۴).

در دومین روز عملیات ثامن الائمه (ع)، عراق که تنها محدوده کوچکی از کرانه شرقی رود کارون را در اختیار داشت، به دلیل نداشتن یک محور مواصلاتی مطمئن در دو سوی رودخانه تا حد

زیادی امید خود را برای یک اقدام اساسی در شرق آن از دست داده بود. لذا با احتمال ورود نیروهای ایرانی به غرب رودخانه کارون، برای حراست از شهر بصره، حداقل ۱۰ تیپ زرهی و مکانیزه را به این منطقه وارد کرد که فاقد هرگونه مواضع و رده‌های دفاعی بودند (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۶).

ارتش عراق از اولین ساعات‌های پس از روشن‌هایی هوا در آخرین تلاش‌های خود با عبور دادن دو گروهان پیاده و تعدادی تانک از پل حفار با هدف توسعه دادن سرپل شرق کارون، قصد اجرای پاتک را داشت که با حمله نیروهای خودی و اجرای آتش پرحجم ادوات و توپخانه مواجه شد و تنها تعداد محدودی از نیروهای عراقی شناکنان خود را به ساحل غربی کارون رساندند (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۶: ۲). بقیه نیز کشته و مجروح شده یا در گوشه‌ای جان پناه گرفته و در منطقه برجای ماندند. پس از آن عراق‌ها تلاش مجددی را با تجمع ۳۰ تا ۴۰ تانک در قسمت شرقی رودخانه برای توسعه سرپل انجام دادند که این حرکت نیز



متری پل عقب آمده و در آنجا با نیروهای محور ذوالفقاری و فیاضیه الحاق و به سمت کارون پدافند کردند (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۵: ۱۲-۱).

عراق نیز با استفاده از بخشی از نیروهای یگان‌های جدیدی که به منطقه وارد کرده بود تمام توان و توجه خود را متوجه حفظ این پل و سرپل کوچک آن در شرق کارون کرد (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۵).

ارتش عراق در آخرین ساعات روز اول (۶۰/۷/۵)، تلاش مجددی را انجام داد و بخشی از یگان‌های تازه نفس را به قصد توسعه سرپل، از پل حفار عبور داد و به پاتک مجدد اقدام کرد. در درگیری سنگینی که رخ داد تعدادی از نیروهای خودی شهید شدند اما متقابلاً تعداد قابل توجهی از تانک‌های عراقی منهدم و چندین دستگاه تانک و نفربر نیز به غنیمت گرفته شد (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۵).

هدایت دقیق و مؤثر آتش توپخانه و ادوات خودی بر روی محل تجمع نیروها و امکانات زرهی دشمن در دو سوی پل حفار شرقی و غربی،

«دارخوین» و محور جاده «آبادان - ماهشهر» به یک محور جدید به نام محور «کارون» تبدیل شد (مرکز مطالعات و اسناد مقدس، ۱۳۶۰/۷/۷: ۴). در جریان این عملیات حدود ۲۰۰۰ عراقی کشته و زخمی شدند؛ ۱۹۰۰ دستگاه تانک، نفربر، خودرو و دو پیل روی کارون و چندین انبار مهمات منهدم شد و حدود ۱۷۰۰ نفر به اسارت درآمدند. همچنین ۱۶۰ تانک و نفربر و حدود ۱۵۰ خودرو و ۳۰ دستگاه لودر و یک آتشبار چهار قبضه ای توپ، ۲۵ دستگاه تفنگ ۱۰۶، ضد هوایی و خمپاره های مختلف به غنیمت درآمدند (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۹).

بازتاب رسانه ای عملیات ثامن الائمه (ع)

ساعاتی پس از انهدام پل حفار و شکست کامل دشمن، سخنگوی ارتش عراق از عقب نشینی ارتش این کشور از زمین های اشغالی شرق رودخانه کارون خبر داد. در این اظهارات سعی شد سنگینی شکست در لابلای جملات و ادبیات بکار رفته مخفی شده و شکست نیروهای عراقی، عقب نشینی و با تصمیم فرماندهی ارتش عراق و تاکتیک نظامی قلمداد شود (خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۷/۷: ۱۹-۲۰).

دو روز بعد سخنگوی سرفرماندهی ارتش عراق در توجیه دلایل شکست ارتش این کشور در شرق کارون گفت: «ارتش عراق پای بند این اصل است که نباید سرزمین هایی که بهای نگهداری آنها سنگین باشد، حفظ کرد» (خبرگزاری پارس، ۱۳۶۰/۷/۹: ۱۹).

هرچند رژیم عراق در تبلیغات رسانه ای از دست دادن شرق کارون و عقب نشینی از این منطقه را نوعی تاکتیک نظامی خواند اما ارتش عراق در مکاتبات و دستورالعمل های نظامی علاوه بر اعتراف به شکست، دلایل آن را تحلیل کرده و مورد اشاره و تأکید قرار داده است.

ناکام ماند (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۶).

هم زمان با فعالیت نیروهای خودی در روز دوم، فرماندهان برای دفع پاتک های عراق به بررسی اوضاع پرداخته و پس از بررسی اطلاعات واصله، از نیروهای محورهای دارخوین، فیاضیه و ذوالفقاری خواسته شد که به باقی مانده نیروهای دشمن در سر پل حفار حمله برده و پل را نیز منهدم کنند. لذا پس از کسب آمادگی اولیه، عملیات در ساعت ۱۵ آغاز شد و پس از یک درگیری شدید که تا

ساعت ۱۷ به طول انجامید این سرپل به طور کامل به تصرف نیروهای خودی درآمد و عناصر باقیمانده دشمن با به جا گذاشتن بسیاری از تجهیزات خود از طریق پل حفار به غرب رودخانه گریختند و نیروهای خودی پیس از دستیابی به پل آن را

منهدم کرده و در ساحل شرقی کارون خط دفاعی تشکیل دادند (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۷: ۱۴).

به این ترتیب، خط پدافندی که در روز اول به دست آمده بود در روز دوم کاملاً و تثبیت شد و پدافند در حاشیه شرقی کارون که به دلیل وجود رودخانه غیرقابل عبور، از اطمینان بالایی برخوردار بود، آغاز گردید. جزیره و شهر آبادان نیز پس از ۳۴۹ روز از محاصره خارج شد (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۲۳۶).

با توجه به نتایج عملیات، دو محور

پس از عملیات
ثامن الائمه (ع)، اجرای
عملیات های بزرگ در
دستور کار فرماندهان نظامی
قرار گرفت

۱۰ عملیات محدود شش ماه قبل از آن به طور متوسط در هر ۱۸ روز یک عملیات انجام شده اما نتایج این عملیات، ارزش، اهمیت و ترجیح عملیات های گسترده را نشان داد (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۰/۷/۷).

لذا از این پس اجرای عملیات های بزرگ در دستور کار فرماندهان نظامی قرار گرفت و پایه ای برای انجام سه عملیات بزرگ دیگر همچون طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس شد. علاوه بر این، تجربه موفقیت آمیز اجرای مانور احاطه ای و نفوذ به عمق و پل ارتباط دشمن بر روی رودخانه کارون از محور نهرشادگان که به دستیابی به پشت رده سوم جبهه شمالی و پل ارتباطی ارتش عراق بر روی رودخانه کارون منجر شد به نحو دیگری در عملیات طریق القدس تکرار شد. (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۳۶۲)

براساس این طرح، عبور از مناطق رملی غرب تپه های ... اکبر طراحی شد که باعث دستیابی نیروهای تیپ امام حسین (ع) و تیپ امام سجاد (ع) و تانک های زرهی تیپ سه لشکر ۹۲ ارتش به عقبه دشمن و سقوط توپخانه عراق و در نتیجه آزادسازی شهر بستان و شکست دشمن شد.

در ادامه جنگ، از دستاوردها و تجارب عملیات های ثامن الائمه (ع) و طریق القدس به نحو احسن بهره برداری شد. انتخاب مناطق فکه و غرب دزفول در عملیات فتح المبین و نیز آزادسازی خرمشهر در عملیات بیت المقدس با بهره گیری از آموزه های عملیات های میسر شد. این دستاوردها به همراه تدابیر، تاکتیک ها و ابتکارات جدید، باعث دستیابی به پیروزی های بزرگ تر و وارد کردن شکست های سنگین تر به ارتش عراق شد. (صفوی و اردستانی، ۱۳۸۸: ۳۶۴).

در دستورالعملی با عنوان «روش مبارزه با هجوم پیاده دشمن» که توسط سپاه سوم عراق تهیه و به یگان های تحت امر ابلاغ شده، به دلایلی از جمله «مؤثر بودن شیوه حمله ایرانیان»، «موقعیت نیروهای ایران در عبور از خط اول و نفوذ به عمق مواضع ارتش عراق»، «ضعف روحیه نیروهای عراقی»، «شناسایی دقیق نیروهای ایران از مواضع در خط و عمق خطوط دفاعی عراق»، «بالا بودن میزان انهدام ارتش عراق در حمله ایران»، «اقدام سریع نیروهای ایران و سستی واحدهای نظامی عراق» و «مؤثر بودن آتش توپخانه ایران» از جمله مواردی است که در این تحلیل به آنها اشاره شده است (مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس، ۱۳۶۱/۷/۱۲: ۵-۱).

خبر پیروزی عملیات «ثامن الائمه (ع)» بازتاب وسیعی در کشور داشت. برگزاری راهپیمایی، اقامه نماز شکر در مساجد و حسینیه ها و توزیع شیرینی، شربت و نقل، سردادن فریاد ... اکبر در بام منازل بخشی از ابراز احساسات مردم در سراسر کشور بود.

با قطعی شدن موفقیت عملیات، پیام تبریکی از سوی سرتیپ فلاحتی، سرتیپ ظهیرنژاد و محسن رضایی به امام خمینی (ره) مخابره شد. ایشان نیز در پاسخ، از ارتش، سپاه و تمامی نیروهای مسلح تقدیر و تشکر کردند (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۶۰: ۲۵۴-۲۵۵).

نتایج عملیات ثامن الائمه (ع)

مقایسه عملیات ثامن الائمه (ع) با عملیات های محدود گذشته نشان داد که به دلایل متعددی از جمله بهره گیری از زمان و دستاوردها، اجرای عملیات های بزرگ مشابه این عملیات، منطقی تر و از سوی دیگر با خسارات و تلفات کمتری همراه است. آمارها موجود حاکی از آن بود که در

منابع و مآخذ

- بنی لوحی، علی و پیرمرادی، هادی. (۱۳۷۹). نبردهای شرق کارون (به روایت فرماندهان). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- خبرگزاری پارس. (۱۳۶۰/۷/۹). گزارش های ویژه.
- خبرگزاری پارس. (۱۳۶۰/۷/۷). گزارش های ویژه، نشریه ۱۲۹.
- حبیبی، ابوالقاسم. (۱۳۷۶). آبادان در جنگ (اطلس رهنما ۶). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- حسینی، یعقوب و جوادی پور، محمد. (۱۳۷۳). اشغال خرمشهر و شکستن حصر آبادان. ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس (جلد جلد سوم). در تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). (۱۳۶۰). صحیفه نور، مجموعه آثار امام خمینی (ره) (جلد ۱۵). تهران.
- صفوی، یحیی و اردستانی، حسین. (۱۳۸۸). عملیات ثامن الائمه (ع) مبدأ تحول در استراتژی نظامی ایران. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات جنگ.
- مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس. (۱۳۶۰/۷/۵). سند شماره ۰۶۰۷۸۱، عملیات شرق کارون ثامن الائمه (ع).
- مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس. (۱۳۶۰/۷/۵). سند شماره ۴۳۴۷۹۰، از فرماندهی ستاد عملیات جنوب به تیپ های ستاد (ارتش سپاه).
- مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس. (۱۳۶۰/۷/۵). سند شماره ۴۳۴۷۹۱، از فرماندهی ستاد عملیات جنوب به توپخانه لشکر ۷۷ و مهندسی و مخابرات.
- مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس. (۱۳۶۱). دفترچه راوی، سند شماره ۴۱۱، دست نوشته غلامعلی رشید درباره حسن باقری.
- مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس. (۱۳۶۰/۷/۵). سند شماره ۰۰۵۱۸۶، از قرارگاه تاکتیکی لشکر ۷۷ به سماجا (مد اطلاعات).
- مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس. (۱۳۶۰/۷/۶). سند شماره ۰۰۵۱۸۹، از ستاد عملیات جنوب (اطلاعات عملیات) به فرماندهی مرکز (طرح و برنامه).
- مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس. (۱۳۶۰/۷/۶). سند ۰۰۵۱۹۷، گزارش نوبه ای ۲۴ ساعته، واحد عملیات سپاه خوزستان به اطلاعات عملیات سپاه شوشی (شماره ۳۶).
- مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس. (۱۳۶۰/۷/۶). سند ۰۲۱۷۵، گزارش نوبه ای ۲۴ ساعته واحد عملیات سپاه خوزستان (شماره ۳۵۹).
- مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس. (۱۳۶۰/۷/۹). سند ۰۲۱۷۷۷، از ستاد عملیات جنوب (عملیات) به فرماندهی سپاه مرکز.
- مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس. (۱۳۶۰/۷/۵). سند ۰۵۴۸۴۸، از ستاد عملیات جنوب به فرماندهی مرکز.
- مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس. (۱۳۶۰/۷/۶). سند ۴۹۲۲۸، از سپاه پاسداران منطقه ۸ به مرکز فرماندهی سپاه.
- مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس. (۱۳۶۰/۷/۵). سند شماره ۰۲۱۷۵۳، طرح عملیات ثامن الائمه (ع).
- مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس. (۱۳۶۰/۷/۷). سند شماره ۰۲۱۷۶۱، گزارش عملیات ثامن الائمه (ع) در جلسه فرماندهان سپاه در آبادان.
- مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس. (۱۳۶۱/۷/۱۲). سند شماره ۰۲۱۷۹۱، از قرارگاه تاکتیکی تیپ آزرهی به فرماندهی سپاه پاسداران.
- مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس. (۱۳۶۰/۷/۶). سند شماره ۱۳۳۹۱۴، عملیات ثامن الائمه (ع).
- مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس. (۱۳۶۰/۷/۳). سند شماره ۱۶۹۴۸۳، از عملیات جنوب به فرماندهی سپاه مرکز.
- مرکز مطالعات و اسناد دفاع مقدس. (۱۳۶۰/۷/۷). سند شماره ۹۱۲۹۱، دست نوشته غلامعلی رشید درباره ویژه گی های عملیات ثامن الائمه (ع).